



آینه

گزارشی از فعالیت های
ادبیات داستانی حوزه هنری
معرفی کتاب
اخبار
پاسخ به نامه ها
روزنه

● گفت و گو با محمدرضا سرشار
مسئول جلسات نقد و بررسی رمان
حوزه هنری

■ چند سالی است که حوزه هنری جلسه نقد و بررسی داستان را برگزار می کند؛ چه انگیزه ای باعث شد جلسات نقد و بررسی «رمان» را پایه گذاری کنید؟

□ حیطه کار جلسات نقد و بررسی داستان حوزه هنری، معمولاً بررسی داستانهای خود اعضای جلسات و به طور عمده داستانهای کوتاه است و معمولاً در این جلسات مجالتی برای بررسی رمان نیست. بنابراین جای نقد رمان در این میان خالی بود. دیگر اینکه افرادی که در این جلسات شرکت می کنند، اغلب هنرجویان قصه نویسی و نویسندگان جوان هستند. البته معدودی نویسنده با تجربه و با سابقه تر هم در این جلسات حضور دارند که دانش خود را به جوانترها منتقل می کنند.

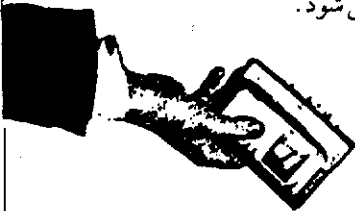
وقتی قرار است داستانهای هنرجویان به نقد گذاشته شود، اغلب، بحثها از یک سطح معینی بالاتر نمی رود چون

نویسندگان جوان مشکلات خاص خود را در زمینه نویسنده گی دارند که این مشکلات اغلب مشابه یکدیگرند. بنابراین نقدها نیز مشابه و محدودند. در حالی که وقتی که قرار است رمانها به نقد گذاشته شوند، دیگر محدودیت آن چنانسی ندارند. رمانها از هر نویسنده ای و با هر سطحی مطرح می شود، بنابراین نقدها تنوع و گونه گونی خاصی دارند. مباحث اساسی تر در داستان مطرح می شود ضمن اینکه افراد شرکت کننده در این جلسات مجبور می شوند آخرین رمانهای چاپ شده را بخوانند که این خود یک محرك خوب به شمار می رود... اعضا با سبک و سیاق نویسندگان گوناگون آشنا می شوند؛ مجبور می شوند با توجه و دقت بیشتری آثار را مطالعه کنند و در نتیجه هم رمان بیشتری در طول سال می خوانند و هم بهره بیشتری از رمانها می برند و خود به خود متوجه نکات ویژه ای در داستان نویسی می شوند.

■ چه مدتی است که این جلسات تشکیل

می شوند؟

□ از اردیبهشت امسال [۷۵] شروع شده که هر ماه یک رمان به نقد گذاشته می شود.



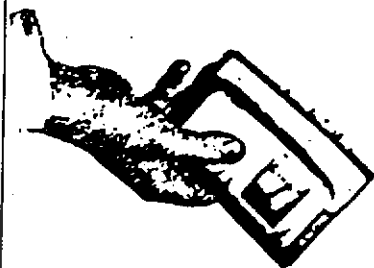
■ آیا معیار خاصی برای انتخاب

رمانهایی که به نقد گذاشته می شود دارید؟
□ بنابر این گذاشته ایم که تازه ترین رمانها را نقد کنیم. مگر اینکه رمان تازه ای در دسترس نباشد و یا شرایط خاصی به وجود بیاید. رمانها حدالمقدور ایرانی باشند، رمانهای ترجمه ای و خارجی را تا به حال نقد نکرده ایم و شاید در آینده هم این رمانها را به نقد نگذاریم. شرط بعدی حجم رمانهاست. حجم رمان باید در حدی باشد که بتوان در فرصت یک ماهه حداقل آن را یک یا دو بار مطالعه کرد و روی آن تأمل کرد. ولی در واقع پایه را برآی عمومی می گذاریم. در هر جلسه

برای یکی - دو جلسه دیگر از اعضا نظر خواهی می کنیم تا متوجه شویم که موافق چه زمانی برای نقد هستند.

■ نقدهای این جلسات و کلاً منتقدان شرکت کننده در این جلسات را چگونه ارزیابی می کنید؟

□ چون افراد شرکت کننده از نظر تجربه در سطحهای متفاوت هستند، بالطبع نظراتشان نیز سطوح متفاوت دارد. از طرفی در میان نویسندگان با تجربه در زمینه داستان نویسی، توانایی نقد یکسان نیست. بسا کسانی که داستان نویسان خوبی هستند ولی منتقدان خوبی نیستند. ما می گوئیم که صحبتها نظم و انسجام پیدا کنند و در نهایت سمت و سوی بحث به طرف صحیح هدایت شود.



■ چرا در کشور ما نقد و انتقاد ادبی هنوز جای نرفته و ما علناً در زمینه نقد با این همه ضعف روبه رو هستیم. به طور کلی در مقایسه با کشورهای خارجی می توان گفت نقد در ادبیات داستانی مان نداریم؟

□ به قول یکی از تحلیلگران، مقوله نقد و خلاقیت، گرچه وجه اشتراک دارند، ولی در اساس، دو مقوله متفاوتند و خود به خود ذهنهای متفاوتی هم می طلبند. در کشور ما این تصور پیش آمده که کسانی که در نویسندگی شکست خورده اند، منتقد شده اند! و این در میان نویسندگانی که نگران نقد آثارشان هستند بیشتر نمود دارد. در صورتی که همیشه این گونه نیست. البته گاهی دیده شده منتقدی ذهن نقد داشته اما به تصور اینکه نویسنده است، آثاری خلق کرده اما موفق نشده است و در نهایت به نقد روی آورده با این حال، چنین رویکردی یک جریان عام نیست. عده زیادی هستند که توانایی خلق داستان ندارند اما منتقدان خوبی

به شمار می روند. اصولاً در شرق (به طور عام) نقد مقوله پرطرفداری نیست چون ما شرفیها معمولاً مردمی مبادی آداب و تعارفی هستیم و آن قدر جسارت نداریم که در ملاء عام با استدلال صحبت کنیم. مسلماً در جامعه ای که چنین تصویری درباره انتقاد، ولو انتقاد سازنده و بی غرض وجود دارد، معمولاً کسانی هم که توانایی نقد دارند کمتر رغبت پیدا می کنند به این کار بپردازند. ضمن اینکه جامعه برای هنرمند بیشتر از منتقد ارزش قائل است.

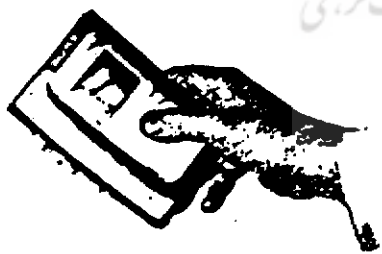
در جوامعی مانند جامعه ما، کمتر افرادی هستند که نقد می خوانند، حتی در بین نویسندگان و فرزندان نیز این میل و رغبت کم دیده می شود. تیراژ کتب نقد کمتر از تیراژ آثار هنری است و از نظر اقتصادی، خیلی، مقرون به صرفه نیست.

نقد به معنای واقعی کلمه، نیاز به یک دانش وسیع دارد. چه در زمینه ادبیات و چه در زمینه علمی دیگر که به نوعی با ادبیات ارتباط پیدا می کنند. یا لااقل در اثر هنری ای که منتقد می خواهد آن را نقد کند، اثری از آن علوم وجود دارد. (فلسفه، تاریخ، روان شناسی، علوم تجربی و...) که ناآگاهی از این مسأله باعث می شود منتقد، آن گونه که باید، نتواند حق مطلب را ادا کند. خلاصه اینکه کسب این دانشها در مقادرات همه کس نیست. چون مجال زیادی می خواهد و در مقابل بازده اندکی که کار نقد در کشور ما از جنبه های متفاوت دارد، ارزش وقت گذاری و انرژی مصرف کردن ندارد. مگر کسانی که به قول سامرست موآم ادبیات را یکی از مسائل اساسی بشر می دانند. در واقع منتقدان، فرهیختگان جامعه هستند. در خیلی از کشورها، رشته های هنری بنا به سابقه تاریخی ای که دارد رشد می کنند. به عنوان مثال در انگلستان، سنت تئاتر خیلی دیرپاست. و یا در کشورهای دیگر شعر ریشه دار است. نقد از آن سنتهایی است که در تاریخ ادبیات ما بسیار کم سابقه است. یعنی اصلاً چیزی

به نام جریان نقد در ادبیاتمان نداشته ایم. عدم پشتوانه تاریخی در زمینه نقد، یکی دیگر از دلایل بی رونقی آن در کشور ماست.

■ در صحبتها با منتقدان به مقوله هایی که با داستان نویسی سرو کار دارند و لزوم آشنایی نویسندگان با این مقوله ها برای پربارتر شدن و عمیقتر شدن داستانهایشان اشاره کردید. مقوله هایی مثل جامعه شناسی، تاریخ، فلسفه... و مقوله هایی که نویسنده باید برای پخته تر شدن خود و آثارش ارتباطی تنگاتنگ داشته باشد مثل علم روان شناسی که مستقیماً در حیطه کار داستان نویسی است. متأسفانه نویسندگان کمتر در این زمینه ها مطالعه می کنند و این باعث شده آثار کم مایه و تا حدودی ضعیف خلق کنند ضمن اینکه منتقدان نیز در نقدهایشان کمتر به این مقوله ها می پردازند و نقدهایشان می توان گفت یک سو به و یک رویه است. در این باره نیز بیشتر توضیح دهید.

□ اگر عدم وجود دانش عمیق و عدم آگاهی با این مقوله ها برای نویسنده ضعف به شمار آید، برای منتقد این ضعف مضاعف تلقی می شود. همان قدر که دانش منتقد کم باشد، نقدش کم مایه تر و کم ارزشتر می شود و باعث می شود که در نقد اثر هنری فقط یک جنبه اثر را نگاه کند و از جنبه های دیگر غافل شود این در واقع ظلم به نویسنده و اثرش به حساب می آید.



■ در میان نویسندگان بعد از انقلاب، گرایش به رمان نویسی خیلی کم است. البته دلایل متفاوتی برای آن می توان برشمرد که کمبود وقت و امکانات جزئی از آن محسوب می شود. نظر شما در این زمینه چیست؟

□ اینها که اشاره کردید یک روی قضیه است، دلیل دیگر این است که سن و سال نویسندگان نسل انقلاب، اقتضا نمی کند که رمان جدی بنویسند.

چون افزون بر طولانی بودن رمان از نظر زمانی (نسب به داستان کوتاه) پیچیده تر بودن آن از نظر مضمون و محتوا، مستلزم دانش تجربی وسیعی از نویسنده است. این تجربه‌ها به دو صورت به وجود می‌آید، یکی از طریق مطالعه و دیگری از طریق درگیر بودن با فرازونشیبهای زندگی. شاید یکی از دلایلی که موجب کمبود نگارش رمان می‌شود، جدا از کمبود مطالعه در بین نویسندگان ما، تجربه کم آنها از زندگی است. یک بخش تجربه از زندگی، با بالارفتن سن افزایش پیدا می‌کند. اگر قبول داشته باشیم که داستان، انتقال احساس تجربه شده است، بنابراین باید قبول کنیم که احساسی که تجربه نشده است قابل انتقال نیست؛ به خلاف شعر که شاید شاعر در دوره جوانی بهتر بتواند شعر بگوید. البته عده‌ای از نویسندگان نسل انقلاب به دوره میانسالی رسیده‌اند و حالا دیگر می‌توان از اینها توقع داشت که رمان خوب بنویسند.



■ ... شاید بتوان گفت که نویسندگان، به ادبیات احساس دین نمی‌کنند.
 □ البته نکته‌ای که نباید به سادگی از کنار آن گذشت، شأن اجتماعی هنرمند در جامعه ماست. جامعه ما بعد از انقلاب به شدت سیاسی شد و هنرمندان در واقع در حاشیه قرار گرفتند. این جو البته امروز قدری تعدیل شده است ولی هنوز به آنچه انتظار داریم نرسیده است. یعنی مسؤول رده پایین اجرایی جامعه، از شأن اجتماعی کمابیش والایی نسبت به هنرمند برخوردار است. تا زمانی که هنرمند در چنین شرایطی قرار گرفته، کمتر کسانی پیدا می‌شوند که عمر شیرین خود را صرف چنین حرفه‌ای کنند. ما

باید در رفتارمان با هنرمندان تجدیدنظر کنیم. و البته منظورمان از هنرمند، هنرمند متعهد است. هنرمندانی که به ارزشهای جامعه احترام می‌گذارند، نه کسانی که جلو جامعه ایستاده‌اند.



■ اکثر نویسندگان معتقدند که وجه منتقد هر نویسنده‌ای باید در درون خود نویسنده باشد. بنابراین بهترین منتقد یک اثر هنری، خالق همان اثر است و با این تفسیر، وجود منتقد و کلاً نقد بیرونی، زیر سؤال می‌رود.
 □ البته این نظریه از جهتی صحیح می‌نماید. یعنی هر نویسنده‌ای منتقد آثار خود نیز هست؛ ولی باید توجه داشت که هر شخصی، ولو شخص عادی و غیر هنرمند، یک سلسله دلمشغولیهای خاصی برای خود دارد، و لزوماً به این معنی نیست که این دلمشغولیها برای دیگران نیز وجود داشته باشد. یکی از کارهایی که منتقد می‌کند این است که گرایشهای عام اجتماعی را در زمینه ادبیات و توقعات آنها را از ادبیات به نویسنده منتقل می‌کند. یعنی او را از این توهم که تصور می‌کند دلمشغولی خاص خودش، دلمشغولی همه است، بیرون می‌آورد. دیگر اینکه وقتی انسان به اصطلاح داخل گود و درگیر با موضوعی هست، ممکن است به بسیاری از ظرایف کار خودش توجه کافی نداشته باشد. بنابراین کسی که از بیرون نگاه می‌کند، بهتر تشخیص می‌دهد که ایراد کار در کجاست.
 ■ برگردیم به بحث جلسات نقد رمان. شما تا چه اندازه به این گونه جلسات امیدوارید؟ یعنی گمان می‌کنید وجود چنین جلساتی تا چه اندازه می‌تواند در زمینه نقد و همچنین رمان نویسی تحول ایجاد کند؟
 □ نویسندگی یک هنر فردی است. معمولاً نویسندگان بزرگ، کسانی بوده‌اند که در انزوا به طور انفرادی

می‌نوشته‌اند، منتشر می‌کرده‌اند و بسا تا آخر عمر، کسی اینها را از نزدیک نمی‌دیده و از این نظر نمی‌توان زیاد امیدوار بود که از دل جلسات نقد و این گونه محافل ادبی، نویسندگان بزرگی بیرون بیاید. البته تجربیاتی از کلاسهای داستان نویسی داشته‌ایم که این محافل محرکی بوده‌اند برای کسانی که استعداد اولیه را داشته‌اند و اینها را در کارشان جدی تر کرده‌اند. اگر افرادی که در جلسات نقد شرکت می‌کنند آن را جدی بگیرند، با مطالعه کافی حضور پیدا کنند، هر جلسه نسبت به جلسه قبل چند کتاب از مباحث نظری خوانده باشند، رمان مورد نظر را به طور دقیق مطالعه کرده باشند... امیدی هست که برای خودشان مفید باشد ولی حداقل این است که این گونه جلسات به اصطلاح تنور ادبیات داستانی را گرم نگه می‌دارد. □

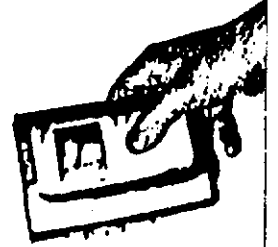
دفعه ادبیات و هنر مقاومت از قدیمی ترین و کارگاه قصه و رمان نوپاترین بخش واحد ادبیات حوزه هنری می‌باشد. دفتر ادبیات و هنر مقاومت با آماده سازی و چاپ بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب در زمینه دفاع مقدس نقش به سزایی در ثبت دلآوری‌ها و جان فشانی های رزمندگان در طول هشت سال دفاع مقدس داشته است.

کارگاه قصه و رمان به مسؤولیت دکتر مجتبی رحماندوست، فصل جدیدی در ادبیات این مرز و بوم به شمار می‌آید و امیدواریم روز به روز شاهد موفقیت هرچه بیشتر این کارگاه باشیم. مرتضی سرهنگی و حسین حداد از فعالیت های این دو بخش با ما سخن می‌گویند.

● دفتر ادبیات و هنر مقاومت

■ آقای سرهنگی به عنوان اولین سوال بفرمایید دفتر ادبیات و هنر مقاومت در چه تاریخی و با چه اهدافی تأسیس شد؟
 □ دفتر ادبیات و هنر مقاومت، وابسته به حوزه هنری در آذرماه سال ۱۳۶۷ شروع به فعالیت نمود و تاکنون بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب در زمینه ادبیات مقاومت به چاپ رسانیده و یا در دست چاپ دارد. هدف ما

گردآوری و تدوین آثار ادبی و هنری به جای مانده از دوران دفاع هشت ساله است. این نوع ادبیات با زندگی ملت هایی که دوران دشوار و پرتلاطم جنگ را پشت سر می گذارند، چنان آمیخته است که گویا ادبیات و هنر برای اینان، چیزی جز انگیزه مقاومت نبوده و نیست.



■ تا به حال چه فعالیت هایی انجام شده و فکر می کنید تا چه حد به معیارها و اهداف تعیین شده برای این دفتر دست یافته اید و آیا اصولاً از کارهای انجام شده راضی هستید؟
 □ ما برای حفظ این میراث ارزشمند (که می دانیم ادبیات و هنر فردای ما بدون درک این آثار دچار سرگردانی خواهد بود) گام های کوچکی برداشته ایم. چاپ خاطرات رزمندگان؛ خاطرات آزادگان، خاطرات اسرای جنگی عراق در ایران، یادداشت های روزانه شهدا، رزمندگان و آزادگان؛ تدوین اولیه فرهنگ جیبه؛ داستان؛ شعر؛ فیلم نامه؛ نمایش نامه؛ ... و بخش مهمی که اختصاص به تدوین آثار جنگ برای کودکان و نوجوانان دارد؛ همگی بخشی از این فعالیت ها هستند. امیدواریم توانسته باشیم تا حدودی دین خود را ادا کرده باشیم.

■ در حال حاضر دفتر، بیشتر به چاپ خاطرات رزمندگان می پردازد تا چاپ قصه و رمان. آیا در این زمینه سیاست خاصی را دنبال می کنید؟

□ برای ما چاپ خاطرات رزمندگان به خاطر اهمیت و وسعت آن مهم است. زیرا جنگ حادثه بزرگی است که یا باید آن را دید و یا باید درباره اش خواند. دیدنی های جنگ که در حال حاضر تمام شده است، فقط می ماند خواندنی هایش. نسلی که از میدان های نبرد بازگشته، پشتوانه غنی ای برای ادبیات جنگ به شمار می آید. اگر ما حرکتی اصولی در زمینه چاپ آثار رزمندگان داشته باشیم می توانیم به آنان این امید را

بدهیم که ستون های اصلی آینده ادبیات کشورمان می باشند.

تا زمانی که ما حادثه های جنگ را در قالب خاطرات نبرد بر سینه سپید کاغذ نکشائیم، مشکل بتوانیم در قصه کوتاه یا رمان به آثار خواندنی و جاودان دست یابیم.

■ دست یابی به اسناد و مدارک معتبر برای محققان و نویسندگان علاقه مند به فعالیت در زمینه دفاع مقدس، دیرپاب و مشکل است. آیا دفتر، منابع معتبری برای دست یابی این افراد در اختیار دارد؟

□ فعالیت این دفتر در زمینه ادبیات و هنر است و این مقوله نیاز چندانی به اسناد و مدارک ندارد. اما در مورد موضوع های تحقیقی برای غنی تر شدن آثار به مراکز نظامی مراجعه کرده ایم، گرچه آنان نیز محدودیت هایی برای در اختیار گذاردن اسناد دارند ولی به اندازه توان از این اسناد استفاده کرده ایم. منابع دفتر برای علاقه مندان همین کتاب های منتشر شده است. افراد علاقه مند می توانند با ارائه معرفی نامه به کتابخانه حوزه مراجعه کنند و از این کتابها استفاده ببرند.

■ لطفاً فهرستی از کتاب های چاپ شده و یا در دست چاپ دفتر را ارائه دهید.

□ ارائه فهرست کامل و جامع از کتاب ها به دلیل تعدد کار قدری مشکل است همین قدر بگویم که بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب به چاپ رسانده و یا در دست چاپ داریم.

■ به شما خسته نباشید می گویم و برایتان آرزوی موفقیت می کنم.



■ آقای حداد، لطفاً بفرمایید که کارگاه قصه و رمان در چه تاریخی تأسیس شده و هدف از تأسیس آن چه بوده است؟

□ فعالیت های کارگاه از آذرماه سال ۱۳۷۳ آغاز شد. پس از پایه گذاری کارگاه فیلمنامه نویسی در حوزه هنری و پیرو موفقیت ها و تلاش های در خور توجه آن در

خصوص نگارش فیلمنامه، فکر اولیه تأسیس واحدی در زمینه داستان بلند و رمان به همان شکل بوجود آمد. تعداد زیادی از نویسندگان و مسؤولان دفاتر ادبی حوزه در جریان کار قرار گرفتند و پس از چند جلسه نشست، اساس و برنامه کاری کارگاه پی ریزی شد.

از آن جایی که قصه و رمان نقش بسیار مهمی در رونق بخشیدن به ادبیات هر کشور دارد و به خاطر اینکه توجه نویسندگان به موضوعات ارزشی در قالب رمان افزایش یابد و جریان رمان نویسی از نظر کمی و کیفی رشد نماید و بخش ادبی حوزه به کانون فعال تولید رمان و داستان بلند تبدیل شود، اساس کارگاه بنا گذاشته شد.

علاوه بر آنچه گفته شد تقویت رمان نویسی فارسی مورد توجه بوده است. در چند سال اخیر ما با هجوم سیل آسای رمان ترجمه ای مواجه بوده ایم و متأسفانه این امر باعث شده تا رمان ایرانی تقریباً به دست فراموشی سپرده شود و تعداد اندک رمان ایرانی نیز در میان موجی از آثار ترجمه ای پنهان بماند.

دومین هدف عمده کارگاه، حمایت ویژه و انسجام بخشیدن به رمان نویسی نویسندگان مسلمان کشور است.

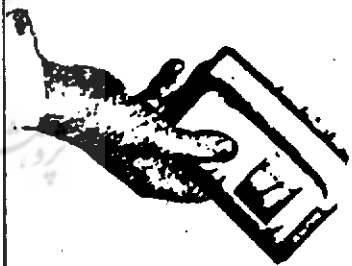
شاید این هدف سوم که عرض می کنم، اساسی ترین هدف کارگاه در خصوص شیوه نگارش رمان باشد. در شرایط معمولی پس از چاپ هر کتاب داستان، منتقدان و صاحب نظران ادبیات، اثر را به نقد و بررسی می گذارند، اما هدف عمده کارگاه قصه و رمان این است که اثر را قبل از چاپ به محک نقد بگذارد. برای دست یابی به این هدف، مشاوره های تحقیقی با نویسندگان انجام می گیرد. روش کار بدین صورت است که ابتدا نویسنده طرح خود را به کارگاه ارائه می دهد، اعضا شورا طرح را بررسی و راه های متفاوتی را که به قوی تر شدن رمان کمک می کند، به نویسنده پیشنهاد می کنند. نویسندگان با در نظر گرفتن راهنمایی های به عمل آمده به تقویت کار خود می پردازد.

■ کارگاه از چه بخشی هایی تشکیل شده و نحوه فعالیت های آن چگونه است؟
 □ کارگاه شامل چهار بخش و گروه کاری است. شاخه اصلی، همین کارگاه

رمان است که کار آن بررسی طرح رمان است بدون در نظر گرفتن موضوعی خاص. با این توضیح که موضوع های ارزشی در اولویت قرار دارند. «کارگاه مفاخر» خود دو زیرمجموعه را شامل می شود: شخصیت های ملی و مذهبی قدیمی و شخصیت های انقلابی معاصر.

از آن جا که آشنایی و ارتباط نسل جوان با مفاخر ملی و مذهبی یک ضرورت تلقی می شود، تلاش کارگاه در زمینه شناساندن هر چه بهتر این مفاخر به جامعه درخور توجه است. این امر شخصیت های انقلابی معاصر را نیز شامل می شود.

نگارش رمان از روی فیلمنامه و فیلم، باب جدیدی در عرصه ادبیات است که کارگاه قصه و رمان متولی آن بوده است. تاکنون زسم بر این بوده که از روی داستان هر رمان، فیلم ساخته شود. ولی ما در این بخش، نگارش رمان از روی فیلمنامه و فیلم را مدنظر داریم. به عنوان اولین تجربه، رمان «از کرخه تا راین» را خانم راضیه تجار بر اساس فیلم «از کرخه تا راین» ساخته آقای حاتمی کیا در دست نگارش دارند. در صورت موفقیت این طرح، قصد داریم گروهی تشکیل دهیم و تبدیل فیلم و فیلمنامه به رمان را به طور جدی دنبال نماییم.



■ سؤال بعدی من در خصوص نتایج به دست آمده است. تاکنون، کدام یک از بخش های کارگاه موفق تر عمل کرده اند؟
□ استقبال نویسندگان از کارگاه مفاخر بسیار خوب بوده است. تاکنون نگارش زندگی نامه، امری بسیار متداول بوده، اما نگارش زندگی نامه داستانی به معنایی که مدنظر ماست، متداول نبوده است. با تأسیس کارگاه مفاخر، نویسندگان به نگارش زندگی نامه داستانی اشخاص می پردازند که در نوع خود بدیع و جذاب است. تاکنون در مورد زندگی نامه داستانی ملاصدرا، بوعلی سینا و شهید بابایی به نتیجه

مطلوب رسیده ایم. در خصوص شخصیت های معاصر حدود ۵-۴ اثر نوشته شد ولی از آن جا که عنصر داستانی این آثار کم رنگ بودند، آن ها را برای بازنویسی به نویسندگان برگشت دادیم.

■ با تعریفی که شما از کارگاه رمان به دست دادید، بفرمایید استقبال نویسندگان جوان از کارگاه چگونه بوده است؟

□ نویسندگان جوان از این کارگاه استقبال خوبی کرده اند اما این گونه نیست که کارگاه را مختص نویسندگان جوان بدانیم. کارگاه به تمامی نویسندگان تعلق دارد و همه نویسندگان می توانند با این کارگاه همکاری داشته باشند.

■ در مورد کارهای چاپ شده و یا در دست چاپ بگویید.

□ «مردی در آینه» نوشته آقای نادر ابراهیمی، اولین کتابی است که توسط کارگاه به دست چاپ داده شده است. این کتاب با همکاری انتشارات فکر روز به چاپ رسیده است.

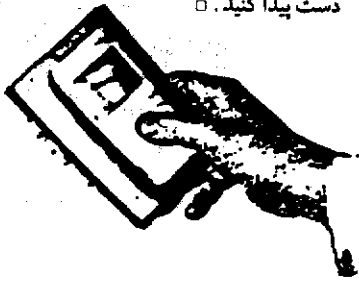
در کارگاه رمان ۱۵-۱۰ اثر تصویب شده، که مراحل چاپ را می گذرانند. از آن جمله می توان کتاب های انگشت مجسمه (فرهاد حسن زاده)، کوچه اقا قیا (راضیه تجار)، قصه های سبلان (محمد رضا بایرامی)، تذکره تلخ (محمدعلی علومی)، هنرپیشه (داریوش عابدی)، و... را نام برد. حدود ۳۰ اثر نیز هم اکنون در حال نگارش است.

در کارگاه مفاخر، حدود ۵۰ زندگی نامه داستانی در حال نگارش است و زندگی نامه داستانی هفت نقاش (استاد صنعتی، استاد بهادری، استاد سهیلی، استاد فرشچیان، استاد اسماعیل زاده، استاد کریمی و استاد حمیدی) مراحل چاپ را می گذرانند.

■ از برنامه های آینده بگویید.
□ طرح عظیمی در دست اجرا داریم و آن طرح «بازیابی عناصر داستانی متون کهن» است. این طرح در نظر دارد که متون داستانی ادبیات کهن را از نظر عناصر داستانی مورد ارزیابی قرار دهد. به همین منظور یک هیأت علمی تشکیل شده که اعضای آن عبارتند از: دکتر یعقوب آژند، رضا رهگذر، مهدی حجوانی، سمیرا اصلا نپور و دکتر مجتبی رحمان دوست.

در حال حاضر مقدمات کار آماده شده و جلسات اولیه تشکیل و تبادل نظر صورت گرفته است و اعضاء هیئت علمی مشخص شده اند. کتاب شناسی طرح در حال انجام است و ان شاء... ماحصل کار، به صورت چندین جلد کتاب به چاپ خواهد رسید. با محقق شدن این امر، تحول مهمی در عرصه ادبیات کشور به وجود خواهد آمد.

■ امیدواریم به تمامی اهداف مورد نظر دست پیدا کنید. □



«پیک قصه» فعالترین کانونی است که امروزه در ایران در حوزه آموزش قصه نویسی فعالیت می کند. برای آشنایی بیشتر با فعالیتهای این مرکز با جواد جزینی مسؤل پیک، گفت و گویی انجام داده ایم که در ادامه سلسله گزارشهایمان از بخشهای حوزه هنری از نظر تان می گذرد.

■ پیک، امروز، برای اغلب علاقه مندان به قصه و مباحث ادبیات داستانی، نام ناآشنایی نیست. با این اوصاف از چگونگی شکل گیری پیک بگویید و اینکه چگونه و با چه اهدافی سامان گرفت؟

□ یکی از اهداف مهم شکل گیری پیک، کشف و شناسایی نیروهای مستعد و آموزش آنها بوده است. اولین گامهای آموزشی، قبل از شکل گیری پیک، در واحد ادبیات حوزه برداشته شد و سال ۶۵ اولین دوره آموزش حضوری قصه نویسی راه اندازی شد. دومین گام، بررسی طرح جامع آموزش غیر حضوری بود، تا اینکه با تلاش کارشناسان در سیمای پیک قصه متولد شد.

■ شکل آموزش در پیک قصه چگونه است؟

□ پیک از همان زمان تأسیس، فعالیت خود را در دو بخش «حضوری» و

غیر حضوری» سامان داد.

بخش حضوری عموماً ویژه هنرجویان و علاقه مندان تهرانی است و بخش غیر حضوری برای کسانی مناسب است که به دلایل متعدد نمی توانند در کلاسهای حضوری شرکت کنند.

■ چه سرفصلهایی در این دوره های آموزشی تدریس می شود؟

□ بخش حضوری با طراحی دوازده سرفصل عمده شامل: «عناصر داستان»، «کارگاه قصه»، «کارگاه نقد»، «انواع ادبی»، «نقد و بررسی ادبیات انقلاب اسلامی»، «مکاتب ادبی»، «رویکردهای نقد ادبی»، «رمان نو»، «ادبیات داستانی کودک و نوجوان» و ... به آموزش علاقه مندان می پردازد. در بخش غیر حضوری اکنون فقط «عناصر داستان» به صورت متون آموزش غیر حضوری آماده شده است و هنرجویان دارند آموزش می بینند.

■ یعنی برای هنرجویان شهرستانی فقط اولین دوره را برگزار می کنید؟

□ بله. هنرجویان شهرستانی و غیر حضوری ما فقط بخش «عناصر داستان» را می توانند به شکل غیر حضوری بگذرانند اما برای رفع این مشکل هم اقداماتی انجام داده ایم. از آن جمله با برخی نویسندگان قرارداد تألیف «انواع ادبی» و «نقد بررسی ادبیات داستانی پس از مشروطه» بسته ایم و به زودی پس از بررسی و تحلیلهای لازم آموزشی، هنرجویان می توانند از این متون آموزشی نیز بهره جویند.

■ برای فارغ التحصیلان پیک چه کارهایی انجام می دهید؟ منظورم این است که هنرجویان وقتی تحصیلاتشان را در پیک تمام می کنند چه کاری انجام می دهند؟



□ در پیک کسی فارغ التحصیل نمی شود. ادبیات داستانی دریایی از دانستیها و ارزشها و تجربیاتی است که پایانی ندارد. هیچ هنرجویی اعتقاد ندارد که پس از هفت یا هشت سال تحصیل در پیک، همه دانستیها را می داند. در پیک به نوعی وقتی هنرجویی دوره ها را به پایان می رساند تازه ابتدای کارش است و با آموخته ها و تجربه ها کار نوشتن را آغاز می کند. البته اگر منظورتان این است که اینها جذب کار می شوند یا خیر، باید بگویم که پیک اکنون هر روز نسبت به روزهای قبل گسترده تر می شود. برای تأمین کادر اجرایی و کارشناسی مورد نیاز از میان آنها، علاقه مندان را به همکاری دعوت می کنیم. نمونه آن دو تن از همکاران [مدرسین] پیک هستند که از میان هنرجویان دوره های قبل انتخاب شده اند و پس از گذراندن دوره آموزشی تربیت مدرس - که اوایل امسال نخستین دوره آن را برگزار کردیم - برگزیده شده اند.

■ آیا بعد از گذشت این سالها نتیجه مثبتی هم از کار گرفته اید؟

□ تا منظورتان از مثبت چه باشد! من معتقدم هیچ نظام آموزشی یا کتابی قادر نیست از یک فرد عادی نویسنده بسازد. اما شیوه ما که حاصل تجارب نویسندگان گوناگون است، مهیا کردن مقدمات برای تجربه نوشتن است.

البته اگر معیار مثبت یا منفی، چاپ آثار باشد، امروز اغلب هنرجویان دوره های بالاتر پیک صاحب مجموعه قصه چاپ شده یا زیر چاپ هستند. کمتر روز یا هفته و ماهی است که اسم هنرجویان پیک را در نشریات نبینیم. البته این توانایی هنرجویان را کسانی که دور از پیک هستند شاید نبینند. اما اگر منظور شما این است که از میان هنرجویان ما نویسندگان بزرگی در حال حاضر پدید بیایند، انتظار معقولی نیست. چرا که اینها در ابتدای راهی بسیار طولانی اند. و سالهای بعد از تحصیلات باید بسیار بنویسند و تجربه کنند. □



جلسه نقد و بررسی داستان حوزه هنری، فعالترین و قدیمی ترین مرکز در حوزه نقد و بررسی ادبیات داستانی است که از بدو انقلاب به ایشکار چند تن از نویسندگان جوان پایه گذاری شد. بی شک در دوران کنونی که داستان و نقد داستان، زمان رکود و بی رمقی را پشت سر می گذارد، وجود چنین نشستهایی نه تنها بر رونق این مقوله اثرگذار خواهد بود بلکه امیدواریم نویسندگان نو قلم انقلاب را از انفعال خارج سازد و پویندگی و تلاش آنان را در پی داشته باشد.

با مسؤول این جلسات و چند تن از اعضای آن گفت و گوی کوتاهی انجام داده ایم. سؤالهای ما از خانم راضیه تجار اینها بوده اند:

۱. وجود این گونه محافل، چه اثری بر روند ادبیات به طور خاص و پیشرفت و رونق ادبیات داستانی دارد؟

۲. مسلماً شرکت پیشکسوتان در این جلسات در کنار هنرجویان این رشته، بر شکوفایی و رونق این نشستها خواهد افزود، اما متأسفانه کمتر شاهد حضور این عزیزان در این جلسات هستیم. نظرتان را در این باره بفرمایید.

۳. قوتها و ضعفهای نویسندگان جوان به نظر شما کدامند و چه راه حلی برای رفع این نقاط ضعف پیشنهاد می دهید؟

۱. یکی از کارهای خوبی که بعد از انقلاب صورت گرفت ایجاد زمینه مساعد برای پرورش ذوق و استعداد علاقمندان شاخه های گونه گون هنری، به ویژه داستان نویسی و نقد و بررسی آن بود. با نگاهی به پشت سر و نیافتن یک پیشینه جدی در این زمینه، بیشتر متوجه اهمیت کار می شویم. حوزه هنری مبدع این حرکت و اولین روشن کننده چراغ راهنما در این عرصه شد. نتیجه اینکه نویسندگان بسیاری از این گود بیرون

آمدتند و با تجارب به دست آمده در این زمینه، اینک شاهد راه اندازی کلاسهای نقد و بررسی داستان در مراکز و محافل گوناگون هنری سراسر ایران هستیم که به طور یقین می تواند اثری شایسته در ادبیات داستانی داشته باشد.



۲. خیلی از نویسندگان مستعد به این گود آمدند، مدتی ماندند و مسلط تر و آگاهتر به خلوت خود برگشتند تا دست به خلق اثر هنری بزنند. آنها می دانستند که ماندنشان چیزی افزون تر از آنچه داشتند به آنها نخواهد داد. اما عده معدودی هم ماندند برای اینکه نویسندگان جوان را آموزش دهند و زکات علمشان را بپردازند. که جا دارد همین جا از این دسته افراد نادر تشکر کنم.

از سال ۶۷ هم که مسؤلیت جلسات نقد و بررسی قصه را جز دوره ای کوتاه به عهده داشتیم گاه به گاه از نویسندگان صاحب نام دعوت می شد و زمینه آشنایی آنها با داستان نویسان و علاقه مندان فراهم می آمد. اما به طور مستمر به این کار نپرداخته ایم، زیرا نه ضرورت آن را حس کرده ام و نه تعداد نویسندگان عرصه بزرگسال آن قدر متعدد بوده که پرونده ای ناگشوده باقی بماند. و افزون بر اینکه بعضی خود تمایل به شرکت در این گونه محافل ندارند و هنرجویان فقط باید به مطالعه و نقد آثارشان بسنده کنند، که از جهاتی مفیدتر نیز می تواند باشد.

۳. جسارتاً باید بگویم نویسندگان جوان، اکثراً علاقه مند هستند اما فقط علاقه شرط نیست و استعداد و علاقه، را می زند. بر این استعداد و علاقه، مطالعه و انضباط و پشتکار در نوشتن و آشنایی با اصول مقدماتی نوشتن و تجربه و ... را نیز بیفزایید. برعکس آنچه گمان

می کنند، نویسندگی، حرفه ساده ای نیست و تعداد اندک نویسندگان ایرانی در مقایسه با جمعیت شصت میلیونی (اگر به زودی اعلام رقم تازه ای نداشته باشیم) گواه این مدعی است. پس کسی که وارد این عرصه می شود باید طاقت طی طریق داشته باشد؛ و البته در صورتی که به استعداد خود در این زمینه مطمئن باشد.

در ادامه گزارش با چند تن از اعضای جلسه گفت و گو کرده ایم و نظر ایشان را درباره جلسه نقد و بررسی داستان حوزه هنری جویا شده ایم. سؤلهای ما اینها بوده اند:

۱. چه مدتی است که در جلسات نقد و بررسی قصه شرکت می کنید و چگونه با این جلسات آشنا شدید؟
۲. داستانها و نویسندگان آنها را چگونه ارزیابی می کنید.
۳. چقدر به کارآیی این جلسات امیدوار هستید؟
۴. نقاط ضعف و قوت این جلسات کدامند؟



● خانم زهرا درویدیان

پنج یا شش سال است که در جلسات نقد و بررسی قصه حضور دارم. از طریق آگهی [تیزر] تلویزیونی با این جلسه آشنا شدم و تا به امروز تقریباً همه هفته در جلسات آن شرکت کرده ام. به طور کلی می توان گفت که شرکت کنندگان در این جلسات دو گروه هستند. گروه اول داستان نویسان مبتدی اند که کم و بیش علاقه و استعداد قصه نویسی دارند. گروه دوم نویسندگان مطرح و صاحب نام هستند که گاهی در جلسات شرکت می کنند. البته نویسندگان مطرح، به مرور زمان ارتباط خود را کم می کنند و در نهایت جلسات را ترک می کنند. اما

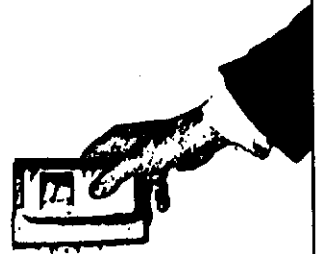
از سوی دیگر، کسانی که به نقد بیشتر علاقه دارند، به مشارکت خود ادامه می دهند. ضمن اینکه هر سال با چهره های جدیدی آشنا می شویم که براساس علاقه خود، در جلسات خواهند ماند و یا آن را ترک خواهند کرد. از همین رو می توان گفت که داستانهای ارائه شده در این جلسات، حد متوسطی دارند.

اگر مدیریت جلسه بخواید حق مطلب ادا شود و جلسات پربارتر گردند، باید به شیوه های متفاوت از نویسندگان مطرح بخواید که قول مساعد دهند و از آنان برای شرکت در جلسات دعوت کند. این جلسات در حد قابل توجهی برای مبتدیان مفید و برای کسانی که در ابتدای راه هستند، جذاب و پرمحتواست. ولی باید به گونه ای باشد که موقعیتشان را بهتر کند، اگر این گونه نباشد بچه ها انگیزه شان را از دست می دهند و جلسات خالی خواهند شد.

حضور خانم تجار به عنوان نویسنده مطرح و «زن» مهم است و خیل نویسندگان را به این سو می کشاند... علتها را گفتیم اما متأسفانه دست یاریگر، بسیار کم است. من قبلاً پیشنهاد نقد کتابهای خارجی را دادم که البته آقای رهگذر با این نظر مخالفند و معتقدند که این کتابها فرهنگ خاص خود را دارند که برای ما قابل استفاده و مطرح شدن نیستند. البته از داستانهای ضعیف بحث قوی می توان کرد و نقد بهتری می توان به دست داد تا از این طریق به نقد درست برسیم. به هر حال نقاط قوتی در این گونه کتابها هست که مطرح نشدنشان باعث می شود که هیچ وقت با آنها آشنا نشویم. به این ترتیب، در سطح کمتری قرار می گیریم. بسا کتابی که یک عنصر برجسته دارد و خواننده با نقد آن کتاب از آن عنصر آگاه می شود؛ چیزی که هنگام خواندن متوجه آن نبوده ایم.

بعضی از این کتابها موج نوی در خود دارند، مثلاً کتابهای مارکس نقد خاص خود را می طلبد که برای

هنرجوی قصه نویسی، این مسأله روشن نیست که می تواند مثل او بنویسد، و پس از مدتی به اینجا برسد که نوشته من مانند نوشته مارکز است. البته برای این کار مدت زمان زیادی لازم است.



● روح ا... مهدی پور عمرانی
حدود سه سال است که در این جلسات شرکت می کنم و از طریق بیک قصه نویسی با آن آشنا شده ام.

ترکیب جلسه این گونه است که از نویسندگان مبتدی- که آثار کم و بیش ابتدایی می نویسند- تا کسانی که قوی تر هستند و قصه هایشان قصه ایده و عقیده و... است شرکت می کنند. گاه دیده می شود که دوستان شرکت کننده در جلسات در سطح حرکت می کنند و گاه بسته به ترکیب جلسات نقدها قوی و پرمایه و یا تا حدودی سطحی است اما در مجموع خوب است. دوستان علاقه دارند، وقت می گذارند و حضوری فعال دارند. از راههای دور و نزدیک با مشکلات فراوان خود را به جلسه می رسانند. کیفیت جلسات، دوستان را به شرکت در آن ترغیب می کند. یکی از دلایل این استقبال، دخالت منطقی خانم تجار است و هیچ گاه درباره قصه ای حکم صادر نمی کنند- که این نشانه نقد پویاست- ایشان چارچوب کار را ارائه می دهند و ادامه بحث را به عهده اعضا می گذارند، این نشانه حسن مدیریت ایشان است. پیشنهاد می کنم که هر سال - و یا با در نظر گرفتن شرایط، در هر فصل- آثار یکی از دوستانی را که در طول آن موج فعال بوده اند مرور کنند. در آثار او تأمل و دقت کنند و پیشرفتش را مورد ارزیابی قرار دهند.

● خانم زهرا مرزبان
هنرجوی دوره پنجم قصه نویسی

هستم و از همین طریق با جلسه نقد و بررسی قصه آشنا شده ام و الآن حدود چهار سال است که با این جلسات ارتباط دارم. به نظر من به دلیل اینکه شرکت در جلسات نقد قصه برای همگان آزاد است و بیشتر، کسانی که به قصه نویسی علاقه دارند در این جلسات شرکت می کنند، جمع صمیمی است. همه حق اظهار نظر دارند و این باعث می شود که هیچ کس احساس نکند که جدا از دیگران است. به طور قطع وجود این جلسات می تواند پرفایده باشد. چنان که با اطلاعاتی که کسب کرده ام تعدادی از قصه نویسان بعد از انقلاب رشد و شکوفایی خودشان را در زمینه داستان نویسی، مرون این جلسات هستند.

دوستان شم نویسندگی دارند اما باید استعدادشان شکوفا شود که با وجود شرکت نویسندگان و منتقدان مطرح، تا حدود زیادی این امر تحقق یافته است. آنها توانسته اند داستانهای خود را در مجلات و حتی به صورت کتاب منتشر کنند. آثار اعضای این جلسات در نشریاتی مثل «اهل قلم»، «ادبیات داستانی» و «زن روز» به چاپ رسیده که جای بسی خوشحالی و امیدواری است.

برخورد مناسب مسؤول جلسات، توزیع کتاب به صورت هدیه، اهدای جوایز به آثار برتر از نقاط قوت این جلسات است که در پیشرفت آنها بسیار مؤثر بوده است.



● آقای علی اینالو

حدود هجده ماه است که به این جلسات می آیم و از طریق دوستان با این جلسات آشنا شده ام. می توان گفت داستانهای ارائه شده تا حدودی ضعیفند و البته علت آن این است که اکثر دوستان

از قصه نویسان مبتدی هستند. اما به طور کلی عدم وجود بینشهای علمی از اجتماع باعث شده که نویسندگان ما آثار کمابیش ضعیف و یا لاقلم متوسط بنویسند. و بی دلیل نیست اگر می بینیم که کار، کند پیش می رود و کلاً از میان اعضای جلسه، بیشتر منتقد به وجود می آید تا نویسنده. تصور بر این است که می توان از طریق آموزش اصول قصه نویسی نویسنده تربیت کرد اما به این دلیل که صاحب نظران روی فرم گرای و ساختار داستان- که تکراری است- بحث می کنند، هیچ گاه درباره مفهوم داستان صحبت نمی شود. به هر حال جلسه نقد قصه محفل ادبی خوبی است که از نظر ارتباطات خوب بوده است و قصه نویس را در حال و هوای قصه نویسی نگه می دارد. اگرچه هدف خود من کمتر این بوده که از این گونه جلسات درس نویسندگی یاد بگیرم. چرا که معتقدم در درجه اول، قصه نویس باید به خود متکی باشد و به درون خود مراجعه کند.

● خسروی

از مهرماه سال ۷۴ که باراهنمایی یکی از دوستان از وجود پُر خیر این جلسات آشنا شدم، تا کنون به طور مستمر با این مرکز ارتباط دارم. داستانهایی که در این جلسات به نقد و بررسی گذاشته می شوند، آثار نوقلمان است. بنابراین قوت و ضعف آنها به توان نویسندگان آن برمی گردد که گاه متوسط و گاه خوب و قوی هستند. در این جلسات که با همت معدودی از نویسندگان مطرح اداره می شود، به نوقلمان فرصتی سبز داده می شود که آثار خود را به نقد و بررسی بگذارند و توانایی خود را محک بزنند. در همین فرصت لازم می بینم از خانم تجار مسؤول محترم جلسه که دلسوزانه از خود برای این کار مایه می گذارند تشکر کنم. ضمناً دوستانه بودن رابطه مسؤول جلسه با سایر اعضا و برقراری مستمر جلسات در هر شرایطی، از امتیازات آن به شمار می رود. ■